

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه اسلامی ۱

جابر جنتی

بخش يك - فصل اول: انسان

الف) خود شناسی،

از مسائل مهم انسان و شاید مهمترین آنها، شناخت خود انسان است. دعوت به شناخت انسان از توصیه های مهم پیامبران الهی، عارفان، عالمان اخلاق و فیلسوفان است. اگر انسان با تأمل استعدادها و امکاناتی که برای رشد او آفریده شده است، بشناسد، بهتر می تواند سرمایه های وجودی خود را به کمال برساند.

قرآن و روایات اسلامی، انسان را به خود شناسی دعوت می کنند. قرآن می فرماید: انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است. (طارق-۵) آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است؛ (مریم-۶۷) ای کسانی که ایمان آورده اید! به خود پردازید.... (مائده-۱۰۵)

امام علی (علیه السلام) می فرماید:
((کسی که به خود شناسی دست یابد، به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده
است.))

در تاریخ فلسفه، خودشناسی، از نظریات اساسی سقراط بوده است.

ایمانوئل کانت فیلسوف بزرگ مغرب زمین می گوید: ((انسان قبل از هر چیز
باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود پردازد))

۱- مقدمه کمال انسانی

خودشناسی نقطه آغاز شناخت سرمایه های وجودی انسان است. انسان می تواند از خود بپرسد: آیا حد وجودی انسان در حد سایر حیوانات است یا قدرت تعالی و رشد پرواز کردن دارد؟ اگر قدرت پرواز کردن به عالم ملکوت را دارد تا چه حد می تواند پرواز کند؟ آیا انسان جز بدن مادی، حقیقت دیگری به نام روح هم دارد؟ پاسخ به این سؤالات مقدمه تکامل انسانی است.

۲- پیش درآمد جهان شناسی

انسان باید ابتدا قوا و ابزار شناخت خود و گستره و مرزهای آن را بشناسد تا بعد به شناخت جهان دست یابد.

امیرالمومنین علی (ع) می فرمایند: ((کسی که خود را نمی شناسد، چگونه غیر از خود را تواند شناخت؟)) ((کسی که خود را بشناسد، دیگری را بهتر می شناسد و کسی که به خود جاهل است، به دیگران جاهل تر است.))

۳- مقدمهٔ خداشناسی

امیرمؤمنان علی (ع) می فرماید: هر کس خود را بشناسد، پروردگارش را می شناسد.
جنبه های گوناگون خود شناسی: از آنجا که فطرت آدمی با معرفت خدا عجین است، دعوت به خود شناسی در واقع دعوت به خداشناسی است. بنابراین، خود شناسی، مقدمهٔ محبت و معرفت به خداست.

وجود انسان، وجودی وابسته و ممکن الوجود است و چنین موجودی نمی تواند، آفرینندهٔ خود باشد و وابستگی انسان به خدا مشهود است.

قرآن مجید می فرماید: ((ای مردم! شما به خدا نیازمندید و خدا است که بی نیاز و ستوده است.))

اگر انسان ساختار پیچیدهٔ خود را مورد تأمل قرار دهد، به ناظمی حکیم و علیم که چنین ساختاری را پدید آورده است، آگاه می گردد. قرآن مجید می فرماید: ((و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود شما؛ آیا نمی بینید؟!))

۴- حلال مشکلات انسان

بسیاری از مشکلات انسان ناشی از خود ناشناسی است. اگر آدمی نقش خود را در زندگی، حقیقت واقعی خود، هدف خلقت، رابطه اش با خدا، نقش اخلاق نیکو و ... را بداند، بسیاری از مشکلاتش حل گشته و زندگی سعادت آمیزی را برای خود رقم می زند.

حقیقت انسان

در باره حقیقت انسان دو دیدگاه وجود دارد:

- ۱-مادی: کسانی که هستی را با ماده برابر می دانند یا انسان را پدیده ای کاملاً مادی تلقی می کنند، تمام قوانین حاکم بر حقیقت انسان را مادی می دانند.

- ۲- الهی: این گروه علاوه بر بعد مادی انسان، بعد غیر مادی او را نیز اعتقاد دارند، و برای انسان علاوه بر بدن مادی، حقیقتی به نام ، روح، قائلند.

قرآن در آیاتی به دو ساحتی بودن انسان (روح و بدن)، تصریح می فرماید: سپس خدا، اندام انسان را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید. (سجده -۹)
خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند. (زمر - ۴۲)

بگو: فرشته مرگ که بر شما گمارده است شماها را می ستاند و آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می شوید. (سجده - ۱۱)

حقیقت انسان

۱- بعد ادراکی انسان

بعد ادراکی انسان در دو حوزه نظر و عمل فعالیت می کند. اگر متعلق شناخت، اشیاء، آنگونه که هستند یا خواهند بود، باشد، به آن حوزه شناخت نظری می گویند. ولی اگر متعلق شناخت، عمل انسانی از جهت خوب و بد، یا بایدها و نبایدها باشد، به آن حوزه شناخت عملی می گویند.

ادراک نظری

شناختی که برای انسان حاصل می شود، یا از طریق صورت ها و مفاهیم ذهنی است که علم حصولی نام دارد یا انسان مستقیماً به متعلق شناخت و یا وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد که به آن علم حضوری می گویند. امام علی (ع): ((من خدایی را که نبینم عبادت نمی کنم؛ البته نه با چشم سر، بلکه با چشم قلب.))

قوای علم حصولی:

قوای حس: بسیاری از صورتهای ذهنی از طریق حواس پنجگانه به ما می رسند.

قوه عقل: این قوه توانایی درک مفاهیم کلی را دارد؛ مانند مفهوم انسان، کتاب... عقل از طریق استدلال و قیاس و برهان به معلومات جدیدی می رسد. ریاضیات و فلسفه مصداق بارز معرفت عقلانی اند. به معلوماتی که توسط این قوه کسب میشوند معلومات عقلانی می گویند.

ادراک عملی

شناختی را که در حوزه عمل یعنی بایدها و نبایدها و خوبها و بدها است، حوزه شناخت عملی می گویند؛ مانند اینکه عدالت خوب است یا انسان باید راست بگوید. به تعبیری، حکمت عملی عبارت است از علم به تکالیف و وظایف انسان. علوم تربیتی و مکاتب تعلیم و تربیت در شمار مجموعه معرفت یا حکمت عملی اند؛ زیرا به عمل آدمی ارتباط دارند.

حقیقت انسان

۲- بعد گرایشی انسان

بعد گرایشی، همان تمایلاتی اند که با روح انسان سرشته شده اند. هر انسانی ذاتاً از این گرایشها - هر چند در حد بسیار ضعیف و نهفته - بهره مند است و آنها را به طور بدیهی احساس می کند. این تمایلات بر اثر عوامل خارجی و القائات محیط و جامعه و تربیت پدید نیامده اند.

گرایشهای انسان به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- گرایش های حیوانی: این گرایش ها میان حیوان و انسان مشترک اند. مانند: گرایش به حفظ ذات و صیانت از خود و میل به جنس مخالف، این گرایش ها را غریزه هم می گویند.

۲- گرایش های انسانی: گرایش ها و تمایلاتی اند که به انسان اختصاص دارند و یا دست کم نشانه های آنها در حیوانات کمتر مشاهده می گردد. از گرایش های اصیل انسان، میل و محبت به خداست که از وی جدایی ناپذیر است. امام علی (ع): ((خداوند! تو قلبها را بر محبت خود آفریده ای.))